

۷۴ فیلم روی فرش قرمز مقدماتی جشنواره فجر

صفحه‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴ را بخوانید

شماره مسلسل: ۴۲۰۸ - دوشنبه ۸ آذر ۱۴۰۰ - ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ - ۲۹ نوامبر ۲۰۲۱ - شماره ۳۴۷۰



فرهنگستان

www.fdn.ir | Mon | 29 Nov 2021 | vol.13 | No. 3470 | 16 Pages

در سفر رئیس‌جمهور به اجلاس اکو، هم دیدار دو جانبه مهم با اردوغان انجام و هم توافق استراتژیک گازی امضا شد

توافق بزرگ منطقه‌ای بدون مزاحم

صفحه‌های ۲ و ۷ را بخوانید

آموزش و پرورش بالاخره وزیردار شد، اولویت‌های اصلی او چیست؟

ابرچالش‌های نوری

گفت‌وگو با برگزیدگان نخستین رویداد صنایع خلاق و فناوری‌های دانشگاه آزاد

مرکز رشد خلاقیت‌ها اینجاست

رشد ترسناک میزان اجاره مسکن حاصل ۸ سال دولت روحانی

بازار اجاره ترمز بریده!

یادداشت

عاقبت سیاست‌های متناقض مسکو

نگرانی‌ها و تکاپوی‌های سیاسی روسیه برای اشراف‌ها مدیریت تحولات غیرقابل پیش‌بینی، با توجه به جمعیت مسلمانان این کشور که می‌تواند با رویدادهای مسلمانان در افغانستان و چین درهم آمیزد، در حال افزایش است. خطر تروریسم فرامرزی، جریان مهاجرت و مهاجرت‌های روسی و همچنین قاچاق مواد مخدر و رخنه سلاح‌های سرگردان به کشورهای منطقه در کنار مرزهای چین و روسیه، چالش‌ها یا بحران‌هایی هستند که در پشت مرزهای روسیه و چین خیمه زده‌اند؛ به‌ویژه اینکه مسکو طی دو جنگ علیه جدایی‌طلبان چینی بستر مناسبی را برای جذب اسلام‌گرایان مخالف کرملین فراهم کرده است.

نگرانی ویژه و جدی‌تر مسکو می‌تواند نفوذ برخی عناصر داعش به آسیای میانه باشد که سرکرده‌های آنها ارتباط خوبی با مخالفان روسیه در چین دارند. رخنه آنها به این منطقه و سابقه به‌کارگیری آنها در عراق و سوریه که تجربه خوبی در میدان‌های نبرد به‌دست آورده‌اند، می‌تواند به بی‌ثباتی بیشتر در افغانستان و متعاقب آن به ایجاد فضای تنش برای سایر گروه‌های تروریستی یا گروه‌های سیاسی مسلح منجر شود. با توجه به اینکه روسیه عملاً مرزهای خط کشی شده با متحدان آسیای میانه خود ندارد و رفت‌وآمد بین این کشورها و روسیه بدون روایت صورت می‌گیرد، به همین میزان بحران امنیتی این مناطق برای مسکو جدی‌تر و از اولویت ویژه‌تر برخوردار می‌شود.

آثار مخرب نیروی‌های کار مهاجر را هم نباید فراموش کرد که می‌تواند باعث بحران جمعیتی و تغییر یافت جمعیتی کشورهای آسیای مرکزی شود و در آینده مشکلی بزرگ برای یافت جمعیتی روسیه در نحوه برخورد با مهاجران افغانستانی شود. روشن است نسبت نرخ رشد جمعیت مسلمانان روسیه یکی از دغدغه‌های مسکو حتی پیش از تحولات افغانستان بوده و روسیه بیش از ۲۵ میلیون مسلمان در جمعیت ۱۴۵ میلیونی خود دارد و اسلام دومین دین بزرگ پس از مسیحیت ارتدکس است. بحران جمعیت و کاهش تعداد روس‌ها در روسیه و رشد فزاینده جمعیت مسلمانان در شهرها و پایتخت روسیه موضوعی نیست که از نظر مسکو پنهان مانده باشد. آنها نرخ بالایی از زاد و ولد میان خانواده‌های مسلمان و مهاجرت از آسیای مرکزی را فاکتورهای تأثیرگذار در برتری نرخ رشد جمعیت مسلمانان روسیه می‌دانند.

در حمایت از تشکیل دولت فراگیر در افغانستان ایراد ساختاری در سازوکارهای مردم‌سالاری در خود روسیه است که نمی‌تواند الگوی مناسبی برای دولت‌سازی در سایر کشورها باشد. ضمناً مشکلات سیاسی و اجتماعی داخلی روسیه به‌خصوص درقبال رفتار با منتقدان دولت و مسلمانان روسیه هم باید به مشکل ساختاری این کشور اضافه شود که خود مانع بزرگی برای ارائه نقشه‌راه به‌منظور ایجاد دولت فراگیر جهت دولت‌سازی موردنظر کرملین در افغانستان خواهد شد.

اماری دیگر سکه افغانستان با فرونشستن غبار شکست فرامتنقه را آشکارتر کرده است. افغانستان دومینوبی شده که کل زنجیره امنیتی را در منطقه با دردهای جدی مواجه کرده و ضعف طالبان از مهم‌ترین فاکتورهای ناآرامی در اداره کشور می‌تواند منجر به فروپاشی اقتصادی این کشور و در نتیجه منجر به بروز درگیری‌های داخلی یا جنگ‌های نیابتی در افغانستان شود و امنیت کشورهای پیرامونی افغانستان را تحت‌تأثیر قرار دهد. بنابراین شکل‌گیری جغرافیای افغانستان با تفکر طالبانیسم، نگرانی از برقراری رابطه میان شبکه‌های مختلف با یکدیگر مانند القاعده، جماعت انصارالله، حرکت اسلامی ترکستان شرقی و گروه‌های چینی مسلح، شرایط را برای بازگردان جهانی و به‌ویژه روسیه در دو سطح داخلی و خارجی جدی‌تر و بحرانی‌تر کرده است.

برای روسیه قابل درک است که شکست نیروهای ایالات متحده و ناتو در افغانستان که به فروپاشی دولت اشراف‌گنی ختم شد، شوک ژئوپلیتیکی شدیدی را در گسل اوراسیا ایجاد کرده و با پلاتکیفی‌جهان در گزینش نوع برخورد با حکومت نوپدید طالبان، بر پیچیدگی‌های منطقه افزوده است. کمترین تأثیر چنین تحول و پیچیدگی منجر به مهاجرت و آوارگی دسته‌جمعی، جابه‌جایی سلاح و قاچاق انسان و مواد مخدر و همچنین حرکت گروه‌های تروریستی در طول عرض منطقه خواهد شد. در چنین وضعیتی نه تنها عمق استراتژیک روسیه در منطقه آسیب‌پذیر خواهد شد، بلکه مرزهای جنوبی‌اش با حضور طالبان در کابل، استقرار جنگجویان چینی باتجربه و میدان دیده متمایل به طالبان در افغانستان مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

استراتژی فرامتنقه‌ای روسیه، به‌کارگیری هم‌زمان قدرت نرم و قدرت نظامی‌اش به‌ویژه در اوکراین، کشورهای آسیای مرکزی، لیبی و سوریه برای حفظ عمق استراتژیک خود است و در این حوزه‌ها نقش سیاسی و امنیتی خود را به‌عنوان بازیگری لوجو در مقابل تهدیدات پیش‌روی منافعی تعریف می‌کند.

در راستای به‌کارگیری قدرت سخت، مسکو از حضور نظامی در لیبی و سوریه و همچنین بحران افغانستان برای خود فرصت تاریخی ایجاد کرده از این رو به سوریه، لیبی و بحران افغانستان به‌مثابه یک تهدید «و یک فرصت» برای ایفای نقش آتی منطقه‌ای و فرامتنقه‌ای نگاه می‌کند. مسکو به‌خوبی از توان پروکسی‌ها آگاه است و نظر به آگاهی از مجموع ضعف‌ها و مقدرات خود به‌سمت خلق و کاربرد نیروهای نیابتی متمایل شده و در سوریه و لیبی از خدمات گروه و اکثر بهره‌برداران برده است.

برای کرملین ادامه جنگ داخلی در سوریه نیز فرصتی طلایی بود. بیش از ۱۰ سال جنگ داخلی در سوریه راه‌های انتقال انرژی از خاک این کشور را به اروپا به‌نفع صادرات نفت و گاز روسیه به اروپا کاملاً بست و کرملین در سایه ادامه جنگ داخلی بی‌پایان در سوریه موفق به احداث خط لوله نورد استریم ۲ برای انتقال گاز به اروپا شد.

در افغانستان مهم‌ترین نقاط قوت کنونی روسیه روابط خوب و سنتی با پشتون‌ها و ابتکارهایی است که از دوسال گذشته برای مذاکرات بین‌الافغانی به‌کاربرده است. مسکو هم‌زمان که از طالبان برای ایجاد دولتی باثبات و هم‌سوی حمایت می‌کند، در نقطه مقابل با استقرار و تجهیز پایگاه‌های خود در کشورهای آسیای میانه، ارتباط خود را با گروه‌های مقاومت افغان حفظ کرده تا در زمان مورد نیاز که می‌تواند پس از فروپاشی طالبان یا جنگ داخلی به تجزیه افغانستان منجر شود، از نیروهای مقاومت به‌نفع خود بهره‌برداری کند. روسیه اکنون از طریق تاجیکستان و ازبکستان گروه‌های داخلی مقاومت افغانستان، رهبران ضد طالبان و رهبران جبهه مقاومت ملی به رهبری احمد مسعود و امرالله صالح را که در تاجیکستان تحت محافظت دولت‌های این کشورها به‌سر می‌برند، حمایت می‌کند.

البته مشخص نیست بازگیری روسیه در منطقه تا چه اندازه می‌تواند در افغانستان تأثیرگذار باشد؛ زیرا ضعف بزرگ روسیه

در جوامع آنها نشان از تمایل بسیار آنها به همکاری با آمریکا و چین به‌منظور ایجاد موازنه با روسیه دارد.

ازسوی دیگر انزوای سیاسی روسیه فرصت مانورهای بین‌المللی را نیز از کرملین سلب کرده و روسیه نتوانسته نتایج اقدامات نظامی خود را طی چند دهه اخیر به‌دستاوردها و مطلوبیت‌های استراتژیک سیاسی در عرصه بین‌الملل مبدل کند. می‌توان گفت مهم‌ترین دلیل این نا کامی نگاه امنیتی کرملین به سیاست خارجی است که به نقطه ضعف روسیه در روابط دیپلماتیک و فاصله معنادار با رقبای عمده خود از جمله آمریکا، اروپا و چین در عرصه بین‌المللی منجر شده است. به‌طور کلی سیاست خارجی کرملین با ضعف دیپلماتی و تنهایی راهبردی در همکاری و هماهنگی با سایر قدرت‌هایی منطقه‌ای و فرامتنقه‌ای روبرو است و انتظار هم نمی‌رود طی سال‌های آینده این وضعیت دچار تغییر شود.

با توجه به شرایط، روسیه در گام نخست تمرکز راهبردی مسکو بر آسیای مرکزی به‌دنبال ایجاد حاشیه امنیتی در سیاست خارجی خود است و سیاست‌هایش را در این منطقه در چارچوب ریدور شمال-جنوب، پیمان شس‌انگهای، اتحادیه اوراسیایی و پیمان امنیت دسته‌جمعی تعریف کرده است. مسکو آسیای مرکزی را به‌مثابه دژی مستحکم در مقابل نفوذ امنیتی به درون خاک خود می‌بیند و آگاه است در صورت بروز هر حادثه‌ای برای این حاشیه مستحکم‌امن، بحران‌های این منطقه به‌سرعت دامنگیر روسیه خواهد شد. بی‌ربط هم نیست که مسکو خود را پدروانده آسیای میانه می‌داند و هدف اصلی‌اش تسلط بر گلوگاه‌های تنفس و انرژی شرق و غرب در منطقه اوراسیا است.

مسکو تحولات اخیر را به‌عنوان فرصتی برای کاهش نقش و نفوذ غرب و به‌خصوص ایالات متحده می‌داند ازسوی دیگر در محدود نگاه داشتن سطح نفوذ و قدرت چین هم تلاشی می‌کند. بنابراین کرملین به‌دلیل انزوای بین‌المللی بازیگری در لیبی، سوریه و افغانستان را محل مناسبی برای «بازی بزرگ» خود با قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی می‌داند و برای اینکه بتواند در تحولات جهانی همپای آمریکا، اروپا و چین توان کنشگری داشته باشد، سعی می‌کند مابانی و الگوهای به‌کارگیری قدرت و توان حل مساله خود را در منطقه خاورمیانه و اوراسیا افزایش دهد.

مجتبی خراسانی
تحلیلگر مرکز مطالعات راهبردی سورین

حیاتی‌ترین هدف روسیه تأمین امنیت خطوط انرژی برای صادرات گاز به اروپا، چین و کشورهای پرجمعیت آسیای جنوبی است که ضمن حفظ و ارتقای اهرم‌های مسکو در معادلات بین‌المللی باید نقش و اهمیت راهبردی روسیه را در روند رقابت با ایالات متحده و چین برجسته کند. از آنجا که خطوط انتقال انرژی آسیب‌پذیرترین تاسیسات در برابر حملات تروریستی هستند، بنابراین حفظ ثبات کشورهای آسیای میانه به‌عنوان محل عبور لوله‌های انرژی که درآمد‌های روسیه به آن وابسته است، نیازمند برخورد با گروه‌های تروریستی است که در افغانستان لانه کرده‌اند و مسکو جلوگیری از ورود آنها به کشورهای آسیای میانه یا محصور کردن و مدیریت این گروه‌ها در خاک افغانستان را در اولویت برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داده است. برای روسیه خطر افزایش تروریسم فرامرزی، جریان مهاجرت و قاچاق مواد مخدر به آسیای مرکزی و روسیه، افزایش نفوذ امنیتی و اقتصادی چین و احتمال بازگشت ایالات متحده به منطقه جدی است.

روشن است که پس از شکست خفت‌بار آمریکا و متحدان اروپایی‌اش در افغانستان، تلاش‌های سیاسی و امنیتی کرملین برای استحکام امنیت در کشورهای آسیای میانه که عمق راهبردی کرملین محسوب می‌شوند، بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است؛ اما نکته قابل‌تأمل این است که مسکو به‌دلیل انزوای سیاسی و نداشتن متحدان استراتژیک در عرصه‌های منطقه‌ای و فرامتنقه‌ای باید با دست‌های بسته و تنها با اتکا به کشورهای آسیای میانه اهداف امنیتی و حتی اقتصادی‌اش را مطابق با تعدد سناریوها و تحولات آتی در منطقه اوراسیا و حتی خاورمیانه پیگیری کند که به‌راحتی هم قابل تحقق نیست.

بی‌شک بودن همکاری‌های سیاسی و اقتصادی کشورهای آسیای میانه و قفقاز با مسکو طی دهه‌های اخیر، زمینه را برای حضور بیشتر غرب در این منطقه فراهم کرده و به‌نوعی تعارض منافع ایجاد کرده است. بررسی روند رفتار کشورهای آسیای میانه پس از استقلال از شوروی و سابقه دیرپای نفرت آنها از کرملین